

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" (بازنشر)
۲۶ دسمبر ۲۰۲۰



جایگاه ششم جدی در تاریخ و حافظه تاریخی مردم افغانستان

هر ملتی دارای تاریخ و حافظه تاریخی یا جمعی است. تاریخ تمام جوامعی که تا کنون وجود داشته (یعنی تاریخ مکتوب)، تاریخ مبارزه و نبرد دارا و نادار، حاکم و محکوم، ستمگر و ستمدیده بوده است. و هر کدام از این گروه ها و طبقات متخاصم بر مبنای جایگاه اجتماعی و جهانی بیینی ویژه خود تفسیر های متفاوتی از تاریخ جوامع بشری ارائه نموده اند. پیش از دوره روشنگران قرن هجدهم - که همه شئون زندگی را به بازنگری و انتقاد کشیدند - و پیش از نیمه دوم قرن نوزدهم و قبل از ظهور "جهان بینی علمی" - به اثر حاکمیت طبقات ستمگر و سلطه فرهنگی شان - تاریخ نگاران: رویدادها، وقایع و حوادث تاریخی و دگرگونی های جوامع بشری را متأثر از نیروهای مرموز، قهرمانان و امپراتوران می پنداشتند؛ و تغییرات دینامیک جوامع بشری و نقش توده های میلیونی را یا عمداً از نظر دور می داشتند و یا به صورت واقعی از درکش عاجز بودند. با چنین طرز دیدی نسبت به وقایع و دگرگونی های اجتماعی، امکان بیان تاریخ حقیقی بسیار محدود و ناچیز بود. یعنی پیش از استفاده اسلوب شناخت علمی نسبت به روابط اجتماعی، تاریخ وجهه علمی نداشت، کاذب و فریبنده بود. و به اثر از خودبیگانگی طبیعی و اجتماعی انسان و فتنشیم ناشی از آن، هم اکنون نیز فرصت بیان دروغین تاریخ زمینه تبارز دارد. هنوز هم خودآگاهی ملی و اجتماعی، به رغم پیشرفت های علمی در سطوح مختلف، در بند پیشداوری ها و نتیجه گیری های کاذب محصور است. در حالی که تاریخ "گزارشی است صادقانه از وقایع بر مبنای دانش حرفه ئی"، و این وقایع نیز مبتنی بر مناسبات اجتماعی- تولیدیست. مقوله تاریخ مفهومی است دربر گیرنده حقایق نسبی، بدین معنی که هر قرآنتی از گذشته و برداشت فردی یا جمعی از حوادث تاریخی؛ متأثر از منافع و جایگاه اجتماعی - تاریخی و دیدگاه های خودآگاهان به تاریخ و عوامل تاریخ ساز می باشد. اما حافظه تاریخی یا حافظه جمعی مردم یک کشور "درکی است گزینشی از گذشته مبتنی بر تعامل بین افراد، گروه ها و محیط اجتماعی". حافظه تاریخی به مثابه جمع عناصر گذشته مشترک؛ ادراکی است از رویداد ها، کارنامه های زشت و نیکو، خلاقیت ها و دگرگونی های اجتماعی در تاریخ یا برهه های معینی از تاریخ یک ملت و مردم یک

سرزمین به صورت ثبت شده و مدون، که هرگاه در سطح یک ملت در مورد عناصر این گذشته و درک گزینشی، اجماع ملی صورت پذیرد، آن گذشته و ادراک جمعی گروهی به "حافظه تاریخی ملی" ارتقاء می یابد.

در تاریخ کهن و معاصر کشور ما افغانستان و در حافظه جمعی مردم آن؛ رویداد ها، گرهگاه ها و کارنامه های تاریخی به ثبت رسیده که پیامد های ژرف و گسترده مثبت و سازنده و گاهی هم منفی و بازدارنده دیرپائی در روند تکامل تاریخی و اجتماعی بعدی داشته اند. یکی از آن رویداد های خونین و گرهگاه های دارای مؤثرات مخرب و فاجعه بار این تاریخ و حافظه تاریخی؛ ششم جدی ۱۳۵۸ش، روز اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش اشغالگر و متجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی است. تجاوز و اشغالگری توسعه طلبانه ای که از همان شامگاه تیره، دو اراده را به مصاف هم طلبیده و با گرفتن قربانی های گزاف از هر دو طرف طی یک دهه، در فرجام این هم آوردی، شکست اراده زورگویانه استعماری تزاران نوین و فرار مفتضحانه سپاه اشغالگر آنان ثبت تاریخ شد.

تداوم فاجعه شش جدی طی یک دهه، معه تبعات همه جانبه خونبار، ویرانگر و رنجبار آن طی حدود چهار دهه، به موازات فزونی رنج و قربانی های بیکران مردم ما، همه عرصه های زیربنائی و روبنائی زندگی مردم ما را زیر و رو کرده و خود سرچشمه و آفریننده فاجعه های بس هولناک دیگری شده است. ششم جدی به عنوان "مرحله تکاملی" تجاوز سوسیال امپریالیسم به کشور ما، و میهن فروشی عمال "خلقی - پرچمی" اش و تکامل جنایات مشترک ارباب و برده؛ سرآغاز فصل جدید مستعمراتی کشور ما و زمینه ساز تعدی و تجاوز مکرر ارتجاعی، و از هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ م به بعد تجاوز و اشغالگری امپریالیستی شد که تا هم اکنون از مردم مظلوم و دربند افغانستان خون و قربانی می گیرد.

هرچند نیروی اساسی این نبرد خونین، سهمگین و سرنوشت ساز علیه اراده زورگوی استعماری سوسیال امپریالیسم شوروی و بردگان میهن فروش بومی اش، توده های میلیونی خلق دلیرافغانستان بودند و شکست استعمارگر روس در مقابل اراده پولادین و به نام آنان به ثبت رسید؛ ولی در مقطعی از این رستاخیز همگانی خودانگیزنده ضد استعماری پابرهنگان افغان، به دلیل ناتوانی و کوتاه آمدن ظرفیت های سیاسی انقلابی و ملی - دموکرات در امر آگاه گری، بسیج مستقل و رهبری مردم افغانستان در پیکار رهایی بخش، امپریالیست های رقیب سوسیال امپریالیسم متجاوز در تبتانی با ارتجاع منطقه و با امکانات مادی - تکنیکی توانستند "از سنگر رقابت، با دمسازی با نیروهای رجعت گرا جنبش آزادیبخش خلق ما را به بیراهه تاریک عقب ماندگی و اسارت مخفی رهنمون شوند". رقبای امپریالیستی و ارتجاعی سوسیال امپریالیسم نه تنها آن نبرد سهمگین و آزادیبخش را با اهداف استعماری - ارتجاعی گره زدند و ثمره آنهمه جانفشانی های آزادیخواهانه توده ئی را به یغما بردند، بلکه توانستند پس از شکست افتضاح آمیز متجاوز روسی و فروریختن دم و دستگاه پوشالی میراث تجاوز آنان، کشور ما را در گام نخست به "بیراهه تاریک عقب ماندگی و اسارت مخفی" در وجود سلطه خونین "نیمه مستعمراتی" ارتجاع سیاه جهادی - طالبی رهنمون شده و زمینه را برای گام بعدی، یعنی اشغال مستقیم کشور ما و اسارت آشکار آن در موقعیت "مستعمراتی" در وجود سیطره جاری مستقیم استعماری امپریالیسم امریکا و چندین دولت متجاوز امپریالیستی تدارک ببینند.

آن گام گول آسای بعدی برای به بند کشیدن و اسارت مردم افغانستان در چهارده سال قبل توسط امپریالیست های هار فزونخواه و توسعه جوی امریکا - ناتو، در همدستی با پایگاه اجتماعی ارتجاعی شان (ارتجاع بومی) برداشته شد که از آن تاریخ تا کنون سلطه سنگین استعماری - ارتجاعی بر دوش ناتوان توده های تحت ستم کشور سنگینی می کند. پیامد های ویرانگر این اشغالگری درازمدت چندین دولت و ارتش متجاوز امپریالیستی و ارتجاعی و این سیادت قهار استعماری - ارتجاعی همه عرصه های هستی اجتماعی، اعم از اقتصاد، سیاست و فرهنگ کشور و مردم این سرزمین را آماج تهاجم همه جانبه قرار داده است.

ششم جدی ۱۳۵۸ شمسی در ۳۷ سال قبل به عنوان سرآغاز تجاوز عریان امپریالیستی و تهاجم همه جانبه و دستبرد ارتجاع به کلیه ارزش های مادی و معنوی این سرزمین و مردم، آفریننده و زمینه ساز بسا از فجایع و مصائب درد انگیز جاری تاکنونی و این تهاجم گسترده جاری استعماری - ارتجاعي در افغانستان مستعمره کنونی محسوب می شود. یکی از تبعات هول انگیز تجاوز ششم جدی در کشور جنگ و استعمار زده ما در جنب حاکمیت برده ساز امپریالیستی، بازگشت ارتجاع و قدرت گیری بی سابقه ارتجاع هار فنودالی در عرصه های اقتصاد، سیاست و فرهنگ و در هم آغوشی با ارتجاع بورژوا - کمپرادوری (به شمول دلالان سوسیال امپریالیسم) در حمایت کامل امپریالیست های اشغالگر کشور ما بوده است. هم اکنون اوج این قدرت را در لجام گسیختگی تمام عیار گرگان دهن دریده و هار ارتجاع اسلامی در درون و بیرون حاکمیت دست ساخت اشغالگران امپریالیست و تاختن بی محابای آنان بر تمامی شئون زندگی در اسارت مردم بی پناه و بی نوای ما می توان دید. وحوش اسلامی "اخوانی"، "طالبی" و "داعشی" در حمایت کامل اربابان اشغالگر و دول ارتجاعي منطقه اوج این افسار گسیختگی ارتجاع فنودالی را به نمایش گذاشته اند.

از جنایت شش جدی در تکامل فاجعه ۷ ثور تا ۸ ثور و از آنگاه تا ۷ اکتوبر و تا امروز؛ دیگر تجاوز و میهن فروشی، جنایت و خیانت، کشتار و تعدی، تجاوز به حقوق و حیثیت انسان، تجاوز جنسی، سنگسار و محاکمه صحرائی، زورگوئی و ستمروائی، ارتجاع سیاسی و فرهنگی، یورش به ارزش ها و آزادی های حد اقل مدنی، غصب و اخاذی، غارت و فساد، فرهنگ مافیائی و اعتیاد، معافیت و اغماض و... در تحت سیطره مستقیم استعماری و در متن این تاخت و تاز همه جانبه ارتجاع افسار گسیخته به فرهنگ حاکم مبدل شده است.

ششم جدی به مثابه آغازگر فصل خونینی از تاریخ مستعمراتی و گذشته مشترکی است که تفکر و عملکرد متضاد "شورش و تسلیم"، "جنایت و عدالت" و "میهن فروشی و میهن دوستی" را در صفحات خود دارد. ششم جدی عنصریست شاخص در حافظه تاریخی و ادراکی جمعی قریب به وفاق از رویداد ها و مصاف دو اراده در آن فصل خونین تاریخ مردم این سرزمین و حاوی فاجعه ها و حماسه هاست. نباید گذاشت که گذشت ایام بر این ادراک جمعی ثبت شده، مدون و شفاهی، گرد فراموشی افشاند و آن را در حافظه جمعی نسل های بعدی کم رنگ ساخته و یا بزدايد. باید با بازگوئی عناصر حماسی و شورانگیز این فصل تاریخ و حافظه تاریخی مردم سلحشور ما، این ادراک جمعی را به طور مکرر بازنمایی و برجسته سازی کرد تا با ترویج آن از نسلی به نسلی برسد و جوانب مثبت آن الگو و سرمشق واقع شود و از جنبه های منفی و فاجعه بار آن آموزش لازم صورت پذیرد.

پایان یافتن فصل تاریک، خونبار و غم انگیز ششم جدی - هفتم اکتوبر در تاریخ کشور ما و آغاز فصلی نوین و روشن فارغ از ستم و استثمار امپریالیسم و ارتجاع، در گرو مبارزات متحدانه مردم یکپارچه و آگاه برخوردار از رهبری ستاد با اوتوریت انقلابی در پرتو اندیشه های پیشرو و زنجیر گسل است. با مقایسه نیروی تخریبی امپریالیسم و ارتجاع و ظرفیت های مبارزاتی مکنون به فعل نیامده و به هم نپیوسته مردمی در افغانستان مستعمره کنونی، گزینش راه نهائی مبارزه علیه این دو هیولا هرچند امری می نماید دشوار، اما از لحاظ منطقی و عملی ممکن و شدنی است. فقط یک مبارزه پیروزمند رهائی بخش ملی، دموکراتیک و انقلابی است که پایان این همه ستمگری و اجحاف و اختتام فصل جاری مستعمراتی و موقعیت مستعمراتی کنونی کشور را اعلام داشته و این تاریخ را ورق خواهد زد. پس با همه دست ها و مغز ها به پیش به سوی ایجاد چنین ستاد با اوتوریت انقلابی، ملی و دموکرات!

- یاد قربانیان بی شمار جنایات سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم و ارتجاع در کشور گرامی باد!

- بریده باد دست تطاول اشغالگران از سرزمین آبائی ما!

- مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

– زنده باد افغانستان و خلق مبارز، زحمتکش و دلیر آن!
– همبستگی رزمجویانه خلق های کلیه ملیت ها و اقوام برادر کشور بر مبنای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع نیاز
میرم زمان است!
– یا مرگ یا آزادی!
سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۶ جدی ۱۳۹۴ شمسی / ۲۷ دسمبر ۲۰۱۵ میلادی